

## رابطه شیوه های فرزند پروری و جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان در مراکز پیش دبستانی شهر تبریز

دکتر شهرام واحدی<sup>۱</sup>

دکتر حسین لطفی نیا<sup>۲</sup>

نعیمه یوسفی شهیر<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان شیوه های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان برای مراکز پیش دبستانی زیر ۶ سال در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ پرداخته است. جامعه آماری طبق آمار بهزیستی در شهر تبریز ۵۴۶۸ نفر و حجم نمونه ۳۲۰ نفر بود که از ۱۵۶ پسر و ۱۶۴ دختر تشکیل می شد روش نمونه گیری این تحقیق چند مرحله ای تصادفی می باشد. جمع آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند- جو عاطفی رابطه کودک والد- و خلاقیت تورنس انجام شده است. روشهای آماری به کار رفته در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده ها شامل همبستگی پیرسون، آزمون T مستقل و رگرسیون گام به گام (stepwise) می باشد. مطالعه حاضر نشان داد که بین سبک تربیتی آزاد گذارانه و سبک تربیتی استبدادی و خلاقیت، رابطه معنا داری وجود ندارد. بین سبک تربیتی اقتدار منطقی والدین با خلاقیت کودکان رابطه مثبت معنا دار وجود دارد و بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت نیز رابطه مثبت معنا داری وجود دارد و مطابق با آزمون T مستقل، اختلاف معنا داری بین بعد خلاقیت اصالت دختران و پسران وجود ندارد و بعد خلاقیت سیالی و بعد خلاقیت بسط در کودکان دختر بیشتر از پسران می باشد. همچنین اقتدار منطقی دارای نیرومندترین متغیر در پیش بینی و تبیین خلاقیت کودکان است. داده های پژوهش اهمیت شیوه های فرزندپروری و جو عاطفی حاکم بر خانواده را بر روی خلاقیت کودکان نشان می دهد.

**واژه های کلیدی:** شیوه های فرزند پروری - جو عاطفی - خلاقیت

<sup>۱</sup> - استادیار روانشناسی دانشگاه تبریز

<sup>۲</sup> - دکترای روانشناسی بالینی

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (naeemeyousefi@yahoo.com)

## مقدمه

خانواده اولین و بنیادی‌ترین نهادی است که در شکل‌گیری شخصیت انسان نقش اساسی دارد. انسان زندگی خود را از خانواده شروع می‌کند و خمیرمایه شخصیت او در آنجا سرشته شده، ارزشها و معیارهای فکری او پایه‌گذاری می‌شود. این تأثیرات اولیه در رفتارها، ارتباطات فرد با دیگران و سازگاری با محیط اطراف در آینده و روی هم رفته در کلّ زندگی نقش تعیین‌کننده دارد. شخصیت کودک همیشه به رنگ محیط عاطفی خانواده درمی‌آید. با این که رابطه منش والدین با رفتار کودک حقیقت بدیهی و آشکاراست ولی چندی بیش نیست که به اهمیت آن پی برده‌اند. رفتارها و خصیصه‌های نامطلوب در رفتار والدینی ریشه دارند که بیش از حد عاطفی و حمایت‌کننده‌اند، اخلاق بچه‌گانه دارند، وعظ‌کننده، طردکننده و بیش از حد وظیفه‌شناس هستند. یکی از ویژگیهای ممتاز تفکر آدمی آفرینندگی یا خلاقیت است در سالهای اخیر هم در مراکز پژوهشی و هم در محافل تربیتی، مفهوم آفرینندگی و ویژگیهای آفریننده به طور گسترده بررسی شده است بی‌تردید پرورش خلاقیت یکی از مهمترین هدفهای آموزش و پرورش به شمار می‌آید (سیف، ۱۳۸۰) از عوامل محیطی که در روند رشد خلاقیت مؤثر است محیط خانواده یا همان شیوه‌های فرزند پروری می‌باشد. کلیگان (۱۹۷۱) معتقد است برای ظهور خلاقیت راههای زیادی در شیوه‌های فرزند پروری وجود دارد که می‌تواند باعث ظهور یا محو خلاقیت شود. نحوه تربیت و استفاده از شیوه‌های دموکراتیک یا مستبدانه، اعمال نحوه انضباط و شیوه‌های ابراز محبت، هر کدام به نوعی در پرورش یا سرکوب خلاقیت مؤثر است. (نقل از کفایت، ۱۳۷۳).

از طرف دیگر در جامعه کنونی اهمیت نیاز به کودکان خلاق و آفریننده به عنوان منابع انسانی فردا، بر کسی پوشیده نیست. پرورش کودکان و نوجوانان خلاق و با انگیزه برای رفع تنگناهای موجود و ابداع و خلق روشها و فنون منتهی به خود کفایی و رهایی از وابستگی، حائز اهمیت است (افروز، ۱۳۷۱).

همچنین مهر افزا (۱۳۸۴) به رابطه شیوه های فرزند پروری با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سوم دبیرستان پرداخته و نشان داده است که بین جو عاطفی خانواده متمایل به اصول دموکراسی با خلاقیت ارتباط مثبت و معنا دار وجود دارد، همچنین بین خلاقیت و اصول دیکتاتوری ارتباط منفی و معنا داری وجود دارد و بین جو عاطفی خانواده متمایل به اصول آزادی مطلق با خلاقیت ارتباط معناداری از لحاظ آماری وجود ندارد

در تحقیقی که توسط حقیقی شکرکن و موسوی (۱۳۸۱). انجام یافته است به این نتیجه رسیده اند که بین هریک از متغیرهای مربوط به جو عاطفی خانواده و سازگاری فردی و اجتماعی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

استقلال حمایت منطقی، آزادی ابراز عقیده، جو عاطفی مبتنی بر اصول دموکراسی و آزادی در خانواده با خلاقیت کودک رابطه مثبتی دارد (گوهری، ۱۳۷۷). پتیت و بیتز (۱۹۸۹) در مطالعه ای، تأثیر حمایت های اولیه را روی سازگاری کودکان در مدرسه، مورد بررسی قرار دادند. یافته ها حاکی از آن بود که حمایت کنندگی والدین موجب سازگاری بهتر درباره مسائلی همچون مشکلات رفتاری، مهارتهای اجتماعی و عملکرد تحصیلی می شود.

بالدوین در تحقیقی به این نتیجه رسید که نگرشهای پذیرنده و دموکراتیک والدین، امکان رشد را به حداکثر می رساند. در حالی که فرزندان این والدین رشد ذهنی، ابتکار، امنیت عاطفی و نظارت فزاینده ای را نشان می دهند؛ والدین طرد کننده و سلطه جو فرزندان متزلزل، سرکش، پرخاشگر و ستیزه جو دارند (پروین، ۱۳۷۲).

بنابر آنچه گفته شد جامعه به استعدادهای خلاق نیاز دارد که در رفع تنگناها و ابداع و خلق روشهایی منجر به خودکفایی و رهایی از وابستگی ها مؤثر باشد. این مسأله به محیط مناسبی نیاز دارد که از طریق شناخت و فراهم آوری روش های تربیتی نوین ایجاد می شود بنابراین تعلیم و تربیت، به عنوان رکن اساسی در زندگی انسانها، همواره وسیله ای مؤثر در پاسخگویی، به نیازها و ضرورتها مطرح بوده است.

### پیشینه تجربی

تأثیر محیط خانواده بر رشد کودک اغلب به وسیله مشاهده تعامل والد-فرزند مورد بررسی قرار گرفته است. در این مشاهدات معمولاً ویژگیهای رفتاری والدین به وسیله دوبعد ارزیابی شده است:

الف- پذیرش (گرمی)، شامل حمایت و پرورش عاطفه مثبت بین والد کودک می‌باشد.

ب- کنترل؛ شامل آن دسته از رفتارهای والدین است که رفتار کودک خود را هدایت می‌کنند مانند: راهنمایی و کنترل، بازدارنده یا تسهیل کننده (پل کنین و همکاران؛ نقل از محرابی، ۱۳۸۳).

والدینی که در درجه بالایی از این بعد قرار دارند، نسبت به کودکان خود با محبت هستند و آنها را می‌پذیرند اما والدینی که در درجه کمی از این بعد قرار دارند، نسبت به فرزندان خود سرد و طرد کننده هستند (مظلوم؛ نقل از محرابی، ۱۳۸۳).

کنترل والدین آن دسته از رفتارهای والدین را که شامل می‌شود که در خدمت جامعه پذیری (فرآیند انتقال ارزش های اجتماعی از والدین به فرزندان) کودک قرار داد. این امر به صورت توانایی والدین در اعمال رهنمود، ثبات، توانایی تحمل رفتارهای نامطلوب (برای مثال فریاد کشیدن، بهانه جویی، گریه، ...) و استفاده از مشوق ها و تقویت ها نمود دارد. محبت نیز شامل جمعیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین می‌باشد. (ماسن، ۱۳۸۴) بامریند در تحقیق خود سه نوع الگوی فرزند پروری مستبدانه، سهل گیر و اقتدار منطقی را بررسی کرده است. والدین مستبد، لزومی نمی بینند که برای دستوراتی که می دهند دلیلی ارائه دهند و به نظر آنان اطاعت بی چون و چرا یک فضیلت است (باومریند، ۱۹۷۵) در شیوه اقتدار منطقی، والدین انعطاف پذیر بوده، ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود، برای آنان مقررات روشنی تعیین می کنند. در عین حال آنها برای مقررات وضع شده، دلایلی ارائه داده و غالباً در مورد خواسته هایشان با فرزند استدلال می کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزندان خود حساسند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق می کنند (احدی و جمهری، ۱۳۷۸).

والدینی که سهل گیر، بی اعتنا یا به حد افراط مساوات طلب اند نیز نمی توانند آن طور که نوجوانان نیاز دارند حامی آنان باشند. بعضی از والدین می گذارند که نوجوان هر کاری می خواهد بکند، شاید به این دلیل که کاری به کار نوجوان ندارند و یا اینکه اهمیتی نمی دهند. بعضی دیگر از مسؤلیت خود برداشت نادرستی دارند. از میان نوجوانان طبقه متوسط آن عده ای بیشتر مواد مخدر مصرف می کنند و رفتارهای منحرف را دارند که والدینشان ظاهراً برای فردیت، درک خود، آمادگی برای تغییر، بالا بردن توانایی انسان و مساوات طلبی در خانواده ارزش قایل اند، ولی صرفاً به این دلیل ادعای اعتقاد به ارزشها را می کنند که از زیر بار مسؤلیت شانه خالی کنند. چنین والدینی فرزندان خود را به حال خود رها می کنند. بی آنکه به آنان سرمشقی از یک بزرگسال مسؤول را بنمایانند. اما فرزندان از آنها می خواهند که والدین شان باشند. رفتاری دوستانه پیش گیرند، و آنان را درک کنند. و سرمشقی از رفتار یک بزرگسال نشان دهند (ماسن، ۱۳۸۴، ۶۶۸).

خصوصیات خلقی کودک و نگرشها، رفتار و شخصیت والدین الگوی ویژه ای از تبادل اجتماعی بین کودک و هر یک از والدین ایجاد می کند. تقریباً هر نظریه پردازی فرض بر این دارد که این الگوی تبادلی به طرق مهمی در رشد روانی کودک تأثیر می گذارد در قرن حاضر روان شناسان عملاً معتقدند روابط کودکان با افرادی که مراقبت آنان را بر عهده دارند، پایه های مهمی برای رشد عاطفی و شناختی آنان محسوب می شود (ماسن، ۱۳۸۴، ۶۶۷). مرور پیشینه روان شناسی کودک نشان می دهد که در گذشته روان شناسان برای بررسی جو عاطفی خانواده و تأثیر روابط پدر و مادر فرزندی بر رشد و شخصیت کودک، بیشتر بر نقش الگوها و راهبردهای فرزندپروری تأکید می کردند و کمتر به مطالعه شخصیت والدین و زمینه اجتماعی حاکم بر روابط اعضای خانواده، نقش فعال خود کودک در فرآیند اجتماعی شدن و نفوذش بر رفتار مراقبان می پرداختند. خوشبختانه، در دو سه دهه اخیر این نگرش تغییر یافته و به جای آن، نگرش واقع بینانه تری مورد پذیرش صاحب نظران و پژوهشگران قرار گرفته است.

بلسکی (۱۹۸۴) برای تبیین این نگرش جدید به سه عامل مهمی که بر کنش و سبکهای تربیتی والدین اثر می گذارند اشاره می کند. این سه عامل عبارتند از: شخصیت و سلامت روانی پدر و مادر، ویژگیهای کودک و زمینه هایی که باید به عنوان منابع استرس یا حمایت اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. ماهیت سیستمی خانواده ایجاب می کند که زن و شوهر خود را درگیر دو نوع رفتار یا رابطه کنند. آنان نه تنها با یکدیگر بر اساس میثاق زناشویی پیوند متقابل دارند، بلکه با کودکان نیز ارتباط دو سویه برقرار می کنند. منطقیاً پیوند نوع دوم تابع پیوند نوع اول است. به بیان دیگر، کیفیت روابط زن و شوهر بر کیفیت روابط آنان با فرزندان عمیقاً اثر می گذارد.

### ویژگیهای تفکر واگرا:

- سیالی (روانی). تولید تعدادی اندیشه در یک زمان معین.
- انعطاف پذیری (نرمش). تولید اندیشه های متنوع و غیر معمولی و راه حل های مختلف برای یک مسأله.
- تازگی (اصالت). استفاده از راه حل های منحصر و نو.
- گسترش (بسط). تولید جزئیات و تعیین تلویحات و کاربردها.
- ترکیب. کنار هم قرار دادن اندیشه های ناهمخوان.
- تحلیل. تجزیه ساختارهای نمادین به عناصر تشکیل دهنده.
- سازمان دادن. تغییر شکل دادن طرحها، کارکردها و موارد استفاده.
- پیچیدگی. توانایی برخورد کردن با تعدادی اندیشه مختلف و مرتبط به طور همزمان.

### فرضیه ها

۱. بین شیوه های فرزندپروری و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.
۲. بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان خلاقیت کودکان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

### روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه کودکان ۶ ساله دختر و پسر است که در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ در یکی از مهد کودک های شهر تبریز ثبت نام نموده اند، شمار آمار این کودکان ۵۴۶۸ کودک می شد و برای نمونه آماری از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای استفاده گردیده است. چون تقسیم بندی مهد های کودک بر اساس کیفیت به صورت سه ستاره- دو ستاره- یک ستاره و بدون ستاره می باشد. از هر یک از مهدکودک های فوق دو مهد کودک به طور تصادفی انتخاب و در مجموع ۸ مهدکودک مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله بعد از هر مهد از بین کودکان گروه آمادگی ۴۴ نفر به شیوه تصادفی انتخاب شدند. تعداد افراد نمونه ابتدا ۳۵۸ نفر بود که به علت عودت نشدن پرسشنامه یا ناقص بودن آن سی و هشت نفر آن حذف شدند و تعداد نهایی به سیصد و بیست نفر رسید.

### پرسشنامه شیوه فرزند پروری :

این پرسشنامه برای اندازه گیری دیدگاه اقتدار والدین با مریند در سه سطح اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری توسط بورای در سال ۱۹۹۱ تهیه شده است.

روایی: این پرسشنامه توسط اسفندیاری (نقل از پورعبدلی، ۱۳۸۱) به فارسی برگردانده شده است. نتیجه بررسی وی نشان داد که پرسشنامه مذکور از نظر صاحب نظران مورد پرسش از روایی مناسبی برخوردار باشد.

پایایی: اسفندیاری برای تعیین پایایی، از روش باز آزمایی استفاده و نتایج زیر را به دست آورده است.

میزان پایانی برای شیوه آزادگذاری ۰/۶۹ برای شیوه استبدادی ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ بود (مهر افروز، ۱۳۷۸). و نیز ضریب پایایی را به روش آلفای کرونباخ برای شیوه اقتدار منطقی مادر ۰/۵۵ شیوه استبدادی مادر ۰/۷۴ و شیوه آزادگذاری مادر ۰/۵۲ به دست آورد همچنین ضریب پایایی را با استفاده

از روش دو نیمه کردن برای شیوه اقتدار منطقی ۰/۵۲ و شیوه استبدادی مادر ۰/۷۳ و شیوه آزادگذاری مادر ۰/۵۵ به دست آورد (نقل از پور عبدلی، ۱۳۸۱).  
 آزمون تفکر خلاق تورنس: این آزمون در سال ۱۹۶۷ توسط تورنس تهیه و توسط کرمی در سال ۱۳۷۵ به فارسی ترجمه شده است، دارای دستورالعمل اجرا و نمره گذاری به شکل، فرم تصویری است و برای استفاده از کودکان تا فوق لیسانس مناسب می باشد. این آزمون با عنوان تفکر خلاق با تصاویر نام گرفته است.

فرم های تصویری آزمون های تفکر خلاق تورنس نیازمند پاسخ هایی است که عمدتاً از نوع ترسیمی یا تصویری می باشد در این آزمون از آزمودنیها خواسته می شود برای تصاویری که کشیده اند عنوانی را انتخاب کنند. برای کودکانی که هنوز قادر به نوشتن نیستند، این قسمت از آزمون به وسیله آزماینده انجام می شود.

پایایی: میانگین ضریب گشتاوری پیرسون بین نمره گذاری، نمره گذاری های تعلیم دیده و معلم های تعلیم ندیده برای آزمون های تصویری عبارتند از: سیالی ۰/۹۶، انعطاف پذیری ۰/۹۴ و بسط ۰/۹۱، ضرایب پایای میانگین برای آزمون های کلامی عبارتند از: سیالی ۰/۹۹، انعطاف پذیری ۰/۹۵، اصالت ۰/۹۱، می باشد. نتایج مسؤول آموزش عبارتند از: سیالی ۰/۹۹، انعطاف پذیری ۰/۹۸، اصالت ۰/۷۶ و بسط ۰/۸۷ می باشد.

به نظر می رسد پایایی پایین برای اصالت، زمانی رخ می دهد که نمره گذار بر مبنای راهنمای آزمون عمل نمی کند و برداشت شخصی خودش از اصالت را جانشین آن می کند (تورنس، ۱۳۷۲).

روایی: جهت تعیین روایی و به منظور اعتباریابی محتوا از ۶ نفر استاد متخصص در زمینه روانشناسی و در مورد روش و نحوه اجرای آزمون خلاقیت تورنس و از نظر روشن بودن و قابل استفاده بودن برای کودکان کودکانی نظر خواهی گردید و از آنها خواسته شد که میزان روایی آن را مشخص نمایند که نتیجه بررسی نشان داد آزمون مذکور از روایی مناسبی برخوردار می باشد.



### -ابزار اندازه‌گیری جو عاطفی خانواده

در این پژوهش برای فرضیه آزمایشی جو عاطفی از مقیاس رابطه کودک والدین پرسشنامه رابطه کودک-والد مایر (۲۰۰۴) استفاده شده است این مقیاس دارای هفت خرده مقیاس محبت، نوازش، تأثیر، تجربه‌های مشترک، تشویق، اعتماد و امنیت، می باشد .

کل مقیاس شامل چهارده پرسش است. برای هر پرسش پنج پاسخ مفصل که دارای درجات مختلفی می‌باشد، در نظر گرفته شده است. نخستین پاسخ بیانگر ضعیف‌ترین و آخرین پاسخ، نشانه نیرومندترین رابطه عاطفی است که در زمان گذشته تا حال بین مادر و فرزند وجود داشته است. پاسخهای دیگر درجات یا حالت‌های متفاوت بین این دو وضعیت را نشان می‌دهند از لحاظ نمره گذاری مقیاس، به پاسخها، طبق یک شیوه پنج رتبه‌ای، از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. پایایی و روایی پرسشنامه جو عاطفی خانواده: آزمون اجرا شده از نظر روایی محتوایی مورد تأیید تعدادی از متخصصان روانشناسی و تعلیم و تربیت قرار گرفت پایایی آزمون از طریق بازآزمایی مورد تأیید قرار گرفت. بدین روش که از تعداد ۳۰ نفر نمونه مجدداً تست جو عاطفی به عمل آمد که ضریب همبستگی بین نمرات جو عاطفی دفعه اول و دوم این گروه (۰/۷۶) بود و پایا بودن آزمون جو عاطفی و رابطه کودک-والد را تأیید کرد .

### یافته‌ها

به دلیل اینکه شیوه‌های فرزند پروری (سبک آزادگذارانه، سبک استبدادی و سبک اقتدار منطقی) و مؤلفه‌های خلاقیت کودکان (کل، سیالی، انعطاف پذیری، اصالت) هر دو در مقیاس فاصله‌ای قرار دارند، جهت تحلیل فرضیه از همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

جدول ۱ - ماتریس همبستگی بین سبک های تربیت آزادگذارانه، استبدادی، اقتدار منطقی و

جو عاطفی خانواده با انواع خلاقیت کودکان

خلاقیت کودکان						
کل	بسط	اصالت	انعطاف پذیری	سیالی		
۰/۰۹۱	۰/۰۴۳	۰/۱۰۷	۰/۰۸۵	۰/۱۴۰(*)	همبستگی	سبک آزاد گذارانه
۰/۱۰۶	۰/۰۴۴	۰/۰۵۵	۰/۱۲۸	۰/۰۱۲	سطح معنی داری	
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد	
۰/۰۴۳	۰/۰۷۶	-۰/۰۸۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۰	همبستگی	سبک استبدادی
۰/۴۴۰	۰/۱۷۳	۰/۱۲۳	۰/۹۳۳	۰/۸۶۰	سطح معنی داری	
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد	
۰/۳۰۹(**)	۰/۲۶۸(**)	۰/۲۱۹(**)	۰/۰۳۹	۰/۱۴۲(*)	همبستگی	سبک اقتدار منطقی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	۰/۰۱۱	سطح معنی داری	
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد	
۰/۲۷۵(**)	۰/۱۹۳(**)	۰/۲۸۸(**)	۰/۰۸۹	۰/۲۰۶(*)	همبستگی	جو عاطفی خانواده
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۱۱۱	۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	۳۲۰	تعداد	

به طوریکه در جدول فوق مشاهده می شود بین سبک تربیتی آزاد گذارانه و خلاقیت سیالی رابطه مثبت معنادار ( $r=0/140$  و  $p < 0/05$ ) وجود دارد و بین سبک تربیتی آزاد گذارانه و انواع مؤلفه های خلاقیت رابطه معناداری مشاهده نشد و مطابق جدول بین سبک تربیتی استبدادی و هیچ یک از انواع مؤلفه خلاقیت کودکان رابطه وجود ندارد. بین سبک تربیتی اقتدار منطقی و مؤلفه خلاقیت سیالی و مؤلفه خلاقیت اصالت و بسط و خلاقیت کل، رابطه معناداری وجود دارد. بین سبک تربیتی اقتدار منطقی و خلاقیت انعطاف پذیری رابطه معناداری وجود ندارد. و همچنین بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت سیالی و مؤلفه خلاقیت بسط و خلاقیت کل، رابطه مثبت معناداری وجود دارد بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت انعطاف پذیری و مؤلفه خلاقیت اصالت رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲- مقایسه خلاقیت های سیالی و اصالت در کودکان پسر و دختر

سطح معنی داری	Z	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	
/۰۱۶	-۲/۴۱۵	۲/۷۲	۲۶/۸۷	۱۵۶	پسر	سیالی
		۲/۲۰	۲۷/۴۸	۱۶۴	دختر	
/۰۴۷۹	-۰/۷۰۷	۸/۷۶	۳۹/۰۸	۱۵۶	پسر	اصالت
		۹/۰۵	۳۸/۵۰	۱۶۴	دختر	
/۰۰۹	-۲/۶۱۷	۳۳/۲۱	۱۸۴/۰۸	۱۵۶	پسر	خلاقیت کل
		۳۲/۴۷	۱۹۳/۷۰	۱۶۴	دختر	

میانگین خلاقیت کل در پسران ۱۸۴ و در دختران ۱۹۳ است که مطابق آزمون تی مستقل اختلاف معناداری بین میزان خلاقیت کل پسران و دختران وجود دارد. به عبارت دیگر خلاقیت کل دختران به طور معناداری بیشتر از خلاقیت کل پسران است.

میانگین خلاقیت بسط در پسران ۹۹ و در دختران ۱۰۹ است که مطابق آزمون تی مستقل، اختلاف معناداری بین میزان خلاقیت بسط پسران و دختران وجود دارد. به عبارت دیگر خلاقیت بسط دختران بطور معناداری بیشتر از خلاقیت بسط پسران است.

میانگین خلاقیت سیالی در پسران ۲۶/۸ و در دختران ۲۷/۴ است که مطابق آزمون تی مستقل، اختلاف معناداری  $p < 0/05$  بین میزان خلاقیت سیالی پسران و دختران وجود دارد. به عبارت دیگر خلاقیت سیالی دختران بطور معناداری بیشتر از خلاقیت سیالی پسران است.

میانگین خلاقیت اصالت در پسران ۳۹/۰۸ و در دختران ۳۸/۵ است که مطابق آزمون تی مستقل، اختلاف معناداری بین میزان خلاقیت اصالت پسران و دختران وجود ندارد

جدول ۶- ضرایب بتای متغیرهای پیش بین مؤثر بر خلاقیت کل کودک

سطح معنی داری	آزمون t	ضرایب غیر استاندارد		شاخص های آماری مدل
		ضرایب استاندارد	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	۲۱/۰۸۹		۷/۰۷۷	۱۴۹/۲۴۰
	۵/۸۰۴	۰/۳۰۹	۰/۲۸۲	۱/۶۳۹
۰/۰۰۰	۲۰/۳۹۰		۸/۰۷۲	۱۶۴/۵۹۵
	۶/۹۴۳	۰/۴۶۷	۰/۳۵۶	۲/۴۷۲
۰/۰۰۰	-۳/۷۲۱	-۰/۲۵۰	۰/۴۰۳	-۱/۵۰۱
۰/۰۰۰	۹/۷۳۹		۱۴/۱۹۰	۱۳۸/۱۹۶
	۵/۰۳۱	۰/۳۸۴	۰/۴۰۴	۲/۰۲۲
	-۲/۶۴۹	-۰/۱۹۰	۰/۴۳۱	-۱/۱۴۳
	۰/۰۰۸	۰/۱۳۴	۰/۲۱۷	۰/۴۸۹

بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیّری (روش گام به گام) و مطابق جداول در تبیین خلاقیت کلّ کودک از روی متغیّره‌های پیش بین (سبک های تربیتی والدین و جوّ عاطفی)، ملاحظه می شود که ضریب همبستگی چندگانه برابر  $R=0/384$ ، ضریب تبیین  $R^2=0/147$  و ضریب تبیین خالص  $R-2=0/139$  به دست آمده است. یعنی از روی متغیّره‌های پیش بین معنادار (اقتدار منطقی، استبدادی، جوّ عاطفی) موجود در مدل (۳) می توان تا حدود ۱۳ درصد واریانس نمره خلاقیت کلّ کودکان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده، متغیّره‌های پیش بین ملاحظه می شود، اقتدار منطقی با بتای  $\beta=0/384$  نیرومندترین متغیر در پیش بینی و تبیین خلاقیت کلّ کودکان است. سپس سبک استبدادی با بتای  $\beta=0/190$  و جوّ عاطفی با بتای  $\beta=0/134$  می باشد. ارتباط متغیّر پیش بین (اقتدار منطقی، استبدادی، جوّ عاطفی) با متغیّر ملاک (خلاقیت کلّ کودکان) طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیون خطی است ( $F=18/20$  با سطح معناداری  $(p<0.00)$ ).

### بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک آزاد گذرانه و خلاقیت کلّ، همچنین بین سبک تربیتی استبدادی و ابعاد خلاقیت (سیالی، انعطاف پذیری، اصالت و بسط) رابطه معناداری وجود ندارد. نیز بین سبک تربیتی اقتدار منطقی و خلاقیت اصالت، سیالی و بسط، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاضر، با مطالعات، گوهری (۱۳۷۷)، واتسون، وگتزلز جکسون (۱۹۶۲)، گوان، تولان، آلبرت و رانکو، میلگرام (نقل از رسولی، ۱۳۸۱)، کفایت (۱۳۷۳)، حسینی (۱۳۷۸)، والا، دلاس و گایر (نقل از جاویدی کلاته جعفر آبادی، ۱۳۷۲)، آمابیل، توس و ریولن (نقل از رسولی، ۱۳۸۱) مهرفزا (۱۳۸۳) پارچه باف (۱۳۶۹) همخوانی دارد. آنها در تحقیقات دریافته بودند کودکانی که والدین آنها نگرش اقتدار منطقی داشته‌اند، در مقایسه با کودکانی که والدین آنها نگرش دیکتاتوری و آزاد گذاری داشتند، خلاق تر بودند. با توجه به مطالعات گذشته و نتایج آنها، رابطه مثبت نگرش اقتدار منطقی با خلاقیت فرزند و عدم رابطه بین خلاقیت فرزند با نگرش آزاد گذاری و دیکتاتور مآبانه والدین، به شیوه‌های زیر قابل تبیین است.

- اولین تبیین برای ارتباط خلاقیت با نگرش اقتدار منطقی والدین و عدم ارتباط آن با شیوه آزاد گذاری و دیکتاتور مآبانه مربوط به جنبه گرم بودن، پذیرش و پاسخگو بودن والدین است که والدین اقتدار منطقی از درجات بالایی از این جنبه‌ها برخوردار هستند. گرمی، پذیرش بدون قید و شرط و انعطاف پذیری والدین ممکن است به طرق مختلفی بر خلاقیت فرزندان اثر بگذارد.

- تبیین بعدی، تشویق حس مسؤولیت پذیری، اهمیت دادن به نیازهای کودک، ارتباط دو طرفه و گرم، توجه همراه با احترام به کودک، خود نظم دهی، استقلال، احترام به علایق، عقاید و انتخابهای کودک، در جهت رشد اعتماد به نفس که با خصوصیات افراد خلاق همسویی دارد، از زمینه‌های مناسب برای ظهور رشد خلاقیت می باشد.

تحقیقات علمی درباره مسأله تأثیر عامل جنسیت در خلاقیت به نتایج قاطعی نرسیده است، ولی می توان این گونه استنباط کرد که عامل جنسیت تأثیر چندانی بر خلاقیت ندارد. و تفاوت‌های ناچیزی که بین دو جنس مشاهده می شود، بیشتر ناشی از مسائل فرهنگی می باشد. معمولاً دختران در توجه به اجزای یک موضوع یا مسأله توانایی ذهنی بیشتر و به عبارتی تفکر جزئی یا تحلیلی دارند و در مورد انعطاف پذیری و اصالت، تفاوتی میان دختران و پسران وجود ندارد (گالاگر، ۱۳۶۷).

## منابع:

- احدی، ح و جمهری، ف. (۱۳۷۸). روانشناسی رشد نوجوانی بزرگسالی. تهران: نشر بنیاد.
- افروز، غ. (۱۳۷۱). روان شناسی و تربیت کودک و نوجوان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- بخشی، احمد (۱۳۷۸) بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری مادران با انگیزش با پیشرفت تحصیلی و مرکز کنترل فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- بیرامی، م. (۱۳۷۲)، جنبه های شناختی روانشناسی رشد، انتشارات آیدین.
- پارچه باف دولتی (۱۳۶۹). خلاقیت در دانش آموزان تیزهوش. دانشگاه آزاد. رساله کارشناسی ارشد.
- پروین، ل. (۱۳۷۲)، روانشناسی شخصیت. ترجمه: جواد، م و کدیور، پ. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تورنس، تی پان (۱۳۷۲). استعدادها و مهارت های خلاقیت و راه های آزمون و پرورش آن ها، ترجمه حسن قاسم زاده. چاپ اول، تهران: نشر دنیای نو.
- حقیقی، ج و شکرکن، ح و موسوی شوشتری، م. (۱۳۸۱)، بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال نهم شماره ۱ و ۲. ص ۷۹-۱۰۸.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره (۱۳۷۲). رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- سیف، ع. (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه. پنجم، شماره های ۲ و ۱
- پور عبدلی سردرود، ه. (۱۳۸۱)، بررسی رابطه بین نگرش به شیوه های فرزند پروری و ادراک فرزند از آن شیوه ها با مکان کنترل و خودپندار دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهر تهران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران
- حسینی، ا. (۱۳۷۸)، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. مشهد: انتشارات: آستان قدس رضوی.
- رسولی، ز. (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی و خلاقیت دختران دبیرستانی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، واحد تهران

- گوهری، م.، ۱۳۷۷، بررسی رابطه خودپنداره و منبع کنترل با خلاقیت در دانش آموزان پسر دوره تحصیلی راهنمایی مدارس دولتی در شهر تهران در سال ۷۶-۷۵، پایاننامه کارشناسی ارشد.
- گلستان هاشمی، م.، (۱۳۸۲). مقدمه ای بر علم خلاقیت شناسی ( دانش خلاقیت و نوآوری)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی .
- گالاگر، ج.، (۱۳۶۷)، آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه: مهدی زاه، مجید، ناشر: آستان قدس رضوی .
- کفایت، م.، (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت و رابطه اخیر با هوش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول دبیرستان های پسر اهواز، پایان نامه ی کارشناسی ارشد .
- ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۸۴) . رشد و شخصیت کودک. ترجمه: یاسایی، مهشید، چاپ دوازدهم، تهران: نشر مرکز.
- مهر افزا، م.، (۱۳۸۴)، بررسی رابطه های شیوه های فرزند پروری با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سوم دبیرستان های تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز .
- محرابی، شهریان (۱۳۸۳). مقایسه اختلالات روانی دختران و نوجوانان با توجه به شیوه های فرزند پروری والدین . پایان نامه کارشناسی ارشد
- هیبیتی، خ.، (۱۳۸۱)، بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و رابطه آنها با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای شهر ورزقان، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.

- Baumirnd.D.(1975),Early socialization and adolescent competence.
- In.s.E.Dragastin&G. Helder, Jr(Eds.) Adolescence in life cycle: Psychological
- Change and social context. New York. Wiley.
- Belsky, S.(1984) The determinants of parenting: Aprocess model. Child development. 55,83-96.
- Pettit, G.S., & Bates, J. E. (1989). Family interaction patterns and children's
- Behavior problems from infancy to 4 years. Developmental Psychology
- Torrance, E.P (1998).An interview with E. Paul Torrance: About creativity. E. Paul

